

ولی‌الله کاوسی

## علی شیر نوایی در مقام حامی هنر<sup>۱</sup>

بی‌گمان یکی از مهمترین عوامل شکوفایی هنر در عصر تیموریان حضور شاهزادگان و درباریان هنرمند و هنرپرور بود. الگو و معیار بزرگ تیموریان در این کار خود تیمور بود. می‌دانیم که او بیشترین تلاش خود را برای آبادانی و شکوهمندی سمرقند به کار گرفت و معماران و صنعتگران و هنرمندان و پیشه‌وران و دانشمندان بسیاری را از سرزمینهای تصرف‌شده انتخاب و راهی سمرقند کرد تا از مهارت ایشان برای پیشبرد زیبایی و آبادانی تختگاهش استفاده کند.<sup>۲</sup> پس از او، جانشینانش نیز چنین روشی را در پیش گرفتند. اگرچه قدرت سیاسی شاهزادگان تیموری پیوسته رو به کاستی و زوال داشت، بازار هنرپروری همچنان پررونق و دربارهای آنان کانون جنبشهای بزرگ فرهنگی و هنری به شمار می‌رفت و حضور هنرمندان نامدار و ادیبان عالی‌مقدار برآوازه فرهنگ دوستی ایشان می‌افزود.

در کنار امیران تیموری، بسیاری از درباریان و اعضای این خاندان در توجه به هنر و هنرمندان گشاده‌دست بودند؛ چنان‌که با حمایت چند تن از همسران تیمور و شاهرخ، بناهای بسیاری برپا شد. فرزندان شاهرخ نیز علاقه به فرهنگ و هنر را از پدر به ارث بردند و هریک نه‌تنها در پرورش و نوازش هنرمندان سعی بلیغ می‌کردند، بلکه خود نیز به انواع هنرها آراسته بودند و از استادان طراز اول کم نداشتند.

میرزا الغ‌بیگ (۷۹۶-۸۵۳ ق)، فرزند ارشد شاهرخ، هنگامی که به فرمان پدر به حکومت سمرقند رسید، این شهر را به مرکز علمی و فرهنگی‌ای تمام‌عیار تبدیل کرد. الغ‌بیگ که خود در علم نجوم استعداد و مهارتی چشم‌گیر داشت، به یاری دانشمند گران‌مایه‌ای همچون غیاث‌الدین جمشید بن مسعود کاشی رصدخانه بزرگ و بی‌نظیر سمرقند را بر پا کرد.<sup>۳</sup> او به شاعران و هنرمندان رشته‌های مختلف نیز توجه بسیار داشت و در حمایت از آنان از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد.

در شیراز و اصفهان هم عموزاده او، میرزا اسکندر بن عمر شیخ (حک ۸۱۲-۸۱۷ ق)، دربار هنرپروری داشت که شاید بتوان آغاز هنر کتاب‌آرایی عظیم دوره تیموری را از آنجا دانست. پس از برکناری اسکندرسلطان از حکومت فارس، شاهزاده ابراهیم‌سلطان بن شاهرخ (ف

حامیان هنر در عهد تیموریان نقشی اساسی در شکوفایی هنر داشتند. یکی از این حامیان امیرعلی شیر نوایی است. پدرانش همه در خدمت دربار تیموریان بودند و او که از کودکی همدم و همدرس سلطان‌حسین باقرا بود، بعدها وزیر این فرمانروای تیموری شد. نوایی که خود شاعری توانا بود و از ذوق هنری بهره داشت، همه همت خود را در راه گسترش فرهنگ و هنر و پشتیبانی از هنرمندان به کار گرفت.

امیرعلی شیر با هنرمندان همه رشته‌ها ارتباط مستقیم داشت و از آنها حمایت می‌کرد و توانایی‌شان را به کار می‌گرفت. در سایه حمایت او، هنرمندان بسیاری، از ادیب و معمار و موسیقی‌دان تا نقاش و خوشنویس، به رشد و بالندگی رسیدند. او هم خود کتابهای بسیاری به زبان فارسی و ترکی نوشت و هم کتابهای بسیاری با نام و حمایت او نوشته شد. در این زمان بناهای بسیاری با حمایت نوایی برپا شد. هنرمندانی همچون قل محمد عودی و بهزاد و سلطان‌علی مشهدی نیز از نزدیکان و پرورش‌یافتگان دستگاه علی شیر نوایی بودند.

۸۳۴ق) به تخت شیراز تکیه زد، که وصف هنردوستی و هنرمندی او به تفصیل در تاریخ آمده است.<sup>۴</sup>

اما شاید بزرگ‌ترین شاه‌زاده هنرمند و هنرپرور این عهد میرزا بایسنقر بن شاهرخ (۷۹۹-۸۳۷ق) باشد که به گفته بیشتر مورخان و محققان، از بزرگ‌ترین حامیان هنر و کتاب‌دوستان جهان است. در کارگاه او بود که گروه بسیاری از کاتبان و نقاشان به کتاب‌آرایی بزرگ‌ترین شاهکارهای ادبیات فارسی اشتغال داشتند و خود میرزا بایسنقر هم شاعری خوشنویس و موسیقی‌دوست بود.<sup>۵</sup> در کنار فرمانروای هنرپروری چون سلطان حسین بایقرا (۸۴۲-۹۱۱ق) نیز دوست و همدم دیرین و وزیر باکیاست او، امیر علی شیر نوایی حضور داشت. اهمیت او در تاریخ هنر آن دوره چنان است که می‌توان گفت اگر در همه دوره تیموری کسی جز او به هنر توجهی نمی‌کرد، حضور همو کافی بود تا آن دوره را از درخشان‌ترین مقاطع تاریخ هنر ایران بدانیم. تلاش خستگی‌ناپذیر و علاقه چشم‌گیر امیر علی شیر در توجه به هنر و هنرمندان از او فردی یگانه و بی‌همتا ساخته است.

نظام‌الدین علی شیر نوایی جغتایی، مشهور به امیر علی شیر، در هفدهم رمضان سال ۸۴۴ق، در سالهای پایانی حکومت شاهرخ، در هرات متولد شد. پدرش کجکینه بهادر نام داشت و اجدادش در خدمت میرزا عمر شیخ بن تیمور (ف ۷۹۶ق) بودند. علی شیر در چهارسالگی به مکتب رفت.<sup>۶</sup> خواندمیر، مورخ بزرگ عصر تیموری در مکارم‌الاخلاق، که درباره زندگی امیر علی شیر نوشته، درباره تحصیلات امیر علی شیر آورده است:

امیر هدایت‌قرین از مبادی سن صبا تا آخر زمان حیات، اکثر اوقات فایض البرکات را به تحصیل علم و کمال صرف نمودند و از اکتساب اصناف علوم و استحصالی انواع فنون لحظه‌ای به فراغت نیاسودند. در زمان شباب و جوانی، که بهترین اوان حیات زندگانیست، در بلده فاخره هرات، که مجمع علمای اعلام و مرجع فضلی لازم‌الاحترام است، به جد تمام و جهد لاکلام به مطالعه کتب متداول اشتغال می‌فرمودند.<sup>۷</sup>

علی شیر در زمان حکومت سلطان ابوسعیدمیرزا (ف ۸۷۳ق) به سمرقند رفت و در جمع شاگردان و مریدان خواجه فضل‌الله ابواللیثی، که ابوعلی سینای ثانی‌اش می‌خواندند، حاضر شد و در خانقاه او منزل گزید. چندی

نگذشت که سرآمد شاگردان خواجه شد و محبت ویژه استاد را به خود جلب کرد.<sup>۸</sup>

امیر علی شیر چند هفته پس از نشستن سلطان حسین بایقرا به تخت شاهی وارد هرات شد. او را «محافظ مهر اعظم» کردند و در سال ۸۷۶ق دیوان‌بیگ دیوان امارت شد. او به زودی به چنان نفوذ و اقتداری دست یافت که پس از سلطان شخص دوم حکومت شد. امیر علی شیر دومین فرد قدرتمند کشور و دولت به شمار می‌رفت. او چنین موقعیتی را به علت قرابت خانوادگی با خاندان شاه و نیز به سبب خدمت در دربار به دست آورد.<sup>۹</sup> پدر او ملازم سلطان ابوسعیدمیرزا بود و در دستگاه او حرمت تمام داشت و جد مادری‌اش، شیخ ابوسعید چنگ، امیرالامرای دربار میرزا بایقرا، پسر عمر شیخ بن تیمور، بود. خود امیر علی شیر نیز در ده سالگی به خدمت ابوالقاسم بابر میرزا (ف ۸۶۱ق)، پسر بایسنقر بن شاهرخ درآمد؛ چنان که این شاه‌زاده او را فرزند خطاب می‌کرد. مشهور است که امیر علی شیر در کودکی با سلطان حسین بایقرا همدرس و هم‌مکتب بوده است.<sup>۱۰</sup>

از وقایع مهم زندگی امیر علی شیر باید از شرکت او در حمله به هرات به همراهی سلطان حسین در سال ۸۷۷ق، که به قتل یادگار محمد میرزا، شاه‌زاده طغیانگر تیموری، منجر شد و همچنین دوران حکومت یک‌ساله او بر استرآباد یاد کرد. پس از این دوران کوتاه، او بیشتر سمت مشاور و مرشد شاه را داشت. علی شیر جزو درویشان نقش‌بندیه<sup>۱۱</sup> بود و به امور دنیوی الثقات چندانی نداشت. ظهیرالدین محمد بابر، پادشاه گورکانی هند، در کتاب خاطرات خود به نام بابرنامه یا تزوک بابر و فتوحات بابر، در وصف امیر علی شیر گفته است:

مزاج علی شیربیک به نزاکت مشهور است. مردم نزاکت او را از غرور دولتش می‌دانستند. این چنین نبود؛ این صفت جبلی او بود. در زمانی که در سمرقند هم بود، همین‌طور نازک‌مزاج بود. علی شیربیک بی‌نظیر کسی بود.<sup>۱۲</sup>

### حمایت از علما

از اقدامات مهم فرهنگی امیر وزیر، حمایت بی‌دریغ از صاحبان فضل و اهل تحقیق و بزرگ داشتن مقام و شأن ایشان بود. در آن روزگار، علمای بسیاری که در حمایت

امیر علی شیر بودند کتابهای متعددی به نام او نوشتند؛ از جمله: شرح فرایض احمد تفتازانی؛ روضة الاحیاب فی سیرة النبی و الآل و الاصحاب عطاءالله اصیلی؛ تفسیر فارسی کمال الدین حسین واعظ کاشفی؛ هشت کتاب، مانند شرح اربعین امام نوآوری و شرح مائة العامل محمد نظامی؛ شرح مشکات خواجه عمادالدین عبدالعزیز اهری؛ حاشیه بر شرح حکمة [العین] مولانا کمال الدین مسعود شروانی؛ رساله در علم فراست مولانا عبدالرزاق کرمانی؛ حاشیه شرح موجز مولانا نفیس مولانا غیاث الدین محمد؛ ترجمه عربیات نفحات مولانا نظام الدین احمد پیرشمس؛ تذکرة النفوس مولانا درویش علی طیب؛ حاشیه مطول خواجه ابوالقاسم اللیثی؛ حاشیه مفتاح و حاشیه تلویح خواجه خاوند ابواللیث؛ شرح موجز مولانا غیاث الدین قاضی سبزواری.<sup>۱۳</sup> شواهد النبوة و رساله در علم موسیقی (احتمالاً از جامی)؛ اقتباسات امیر اختیارالدین حسن تربتی؛ روضة الصفا فی سیر الانبیاء و الملوک و الخلفاء تألیف امیرخواند محمد؛ مآثر الملوک و خلاصة الاخبار تألیف خواندمیر.<sup>۱۴</sup>

#### حمایت از هنرمندان

امیر علی شیر مکتب ادبی و هنری هرات را به اوج عظمت رسانید و این شهر را مرکز شعر و ادب و موسیقی و نقاشی و خطاطی و تذهیب کرد. فخری هروی در قسم اول از باب نهم مجالس النقائس ضمن زندگی نامه امیر علی شیر آورده است:

هر روز هفتاد و پنج هزار دینار به خزانه میر فرو می آمد؛ پانزده هزار به خرج بیرون می رفت. و هر ساله هزار دست سر و پای به مساکین مقرر کرد و سیصد و هفتاد بقعه خیر ساخت.

ظاهر نشد به هم نفس آشنا و غیر

چیزی به غیر خیر از آن عاقبت به خیر

و آن قدر بی مثل و نادر از خطاط و خواننده و سازنده و نقاش و مذهب و مصور و محرر و معنایی و شاعر که به تربیت او در نشو و نما آمده، معلوم نیست که در هیچ زمانی جلوه کرده باشد. او نیز از فنون این جماعت بهره تمام داشت؛ خاصه در شاعری.<sup>۱۵</sup>

#### ادبیات

امیر علی شیر که خود شاعر و شعرشناسی نیک طبع بود، حمایت از اهل ادب و شاعران را در رأس امور قرار داد.



ت ۱. مثال علی شیر  
نوابی، کار محمود مذهب،  
۱۶۰۷س. موزه آستان  
قدس رضوی، مشهد.

او شاعری ذواللسانین بود؛ هم به فارسی شعر می سرود و هم به ترکی؛ در فارسی «فانی» و در ترکی «نوابی» تخلص می کرد. شعر فارسی او چندان استوار نیست؛ اما توانست با تقلید از همه انواع شعر فارسی، از مثنوی و قصیده و غزل و غیره، شعر ترکی بسراید و دیوانهایی ترتیب دهد. او در کتاب محاکمة اللغتين، زبان فارسی و ترکی را با هم سنجیده و مدعی رجحان زبان ترکی بر فارسی شده است.<sup>۱۶</sup>

آثار او به زبان ترکی چهار دیوان غزلیات (غرایب الصغر، نوادر الشباب، بدایع الوسط، قواید الکبر) و

پنج مثنوی به تقلید از خمسة نظامی (حیره‌الابرار، لیلی و مجنون، فرهاد و شیرین، سعه سیاره، سد اسکندری)، و منظومه لسان‌الطیر به تقلید از منطق‌الطیر عطار است. در علوم ادبی نیز میزان‌الاوزان را، که نخستین کتاب در عروض ترکی است، برای سلطان حسین بایقرا نوشت.<sup>۱۷</sup> امیر علی شیر جدا از تبحر در شاعری و سخن‌سرایی، پشتیبان و مشوق شاعران زمان بود؛ چنان که هر جا شاعری صاحب‌استعداد می‌دید یا شعری نغز می‌شنید، استقبال می‌کرد و به سخن‌سرایان عنایت مادی و معنوی می‌کرد. حکایت ملاقات یکی از شاعران مشهور این عهد مولانا هلالی جغتایی، صاحب مثنوی شاه و درویش و صفحات العاشقین و لیلی و مجنون با امیر علی شیر و لطف و حمایت او در تذکره تحفه سامی آمده است.<sup>۱۸</sup>

امیر علی شیر در نثر نیز دستی توانا داشت. برخی از آثار منشور او اینهاست: تذکره مجالس‌النفاثس به ترکی؛ رساله محبوب‌القلوب؛<sup>۱۹</sup> نسایم‌المحبه فی‌الشمایم‌الفتوة، که ترجمه ترکی نفحات‌الانس عبدالرحمن جامی است؛ نظم الجواهر به فارسی؛ نثر للالی؛ خمسة‌المتحیرین؛ قصه شیخ صنعان؛ منشآت ترکی؛ تواریخ دقیقه.<sup>۲۰</sup>

### موسیقی

علاقه بسیار سلطان حسین و شاه‌زادگان و حمایت بی‌شائبه امیر علی شیر از موسیقی دانان، دربار را به محفلی پررونق برای هنرمانی ایشان تبدیل کرد. مورخان بارها از مجالس بی‌نظیر موسیقی سخن گفته‌اند که در این عهد به فرمان سلطان حسین و وزیرش برپا می‌شد. امیر علی شیر خود موسیقی می‌دانست و این هنر را از خواجه یوسف برهان جامی (از اعقاب عارف معروف شیخ‌الاسلام احمد جام، معروف به ژنده‌پیل) آموخته بود.<sup>۲۱</sup> ظهیرالدین بابر در وصف موسیقی دانی و موسیقی‌دوستی امیر علی شیر چنین آورده است:

در موسیقی خوب چیزها بسته خوب نقشها و خوب پیشروهاست. و به اهل فضل و اهل هنر، مثل علی شیر بیگ مرئی و مقوی معلوم نیست که هرگز پیدا شده باشد. استاد قل‌محمد و شیخ نابی و حسین عودی، که در ساز سرآمد بودند، به تربیت و تقویت علی شیر بیگ این مقدار ترقی و رشد کردند.<sup>۲۲</sup>

حافظ قزاق، که خواندمیر او را نوازنده بی‌همتای قانون معرفی می‌کند، از موسیقی‌دانانی است که از آغاز جوانی در خدمت امیر علی شیر بود.<sup>۲۳</sup> پهلوان محمد ابوسعید خواننده و موسیقی‌دان دیگری است که در هرات می‌زیست و مورد عنایت امیر علی شیر بود. امیر علی شیر در مجالس‌النفاثس از ارتباط خود با این هنرمند حکایتی خواندنی نقل کرده است.<sup>۲۴</sup>

یکی از مشهورترین موسیقی‌دانان این عصر استاد قل محمد است. این هنرمند از کودکی تحت حمایت و تعلیم امیر علی شیر و مورد احترام و علاقه ویژه او بود. امیر علی شیر از دانشمندان موسیقی خواست که برای قل محمد رساله‌ای در موسیقی بنویسند. شرح آن از زبان خود او چنین است:

استاد قل محمد از خردی موسیقی را می‌آموخت. چون در زود آموختن انشاهای خوب شهرت یافت، فقیر خواستم که این فن را نیز یاد گیرد. به مولانا شاه‌علی بقیه که در این فن بی‌بدل عصر است، سپارش کردم. در آن وقت، در این فن اصل‌الواصل را تصنیف کرد. بعد میرمراض و خواجه شهاب‌الدین عبدالله و مولانا بنایی در این فن رساله‌ها نوشتند؛ اما از بس اظهار استعداد کرده‌اند، از آنها بهره بردن کس نویدگیر دشوار بود.<sup>۲۵</sup>

امیر علی شیر از رساله‌های تألیف شده قانع نشد و از مولانا عبدالرحمان جامی خواست که اثری در موسیقی تألیف کند و جامی خواهش او را به جا آورد.<sup>۲۶</sup>

در بسیاری از مجالس موسیقی که به همت امیر علی شیر برپا می‌شد، علاوه بر نوازندگان و خوانندگان، بسیاری از فضلا و دانشمندان زمان نیز حضور داشتند؛ مانند خواندمیر، دانشمند و مورخ بزرگ.<sup>۲۷</sup> زین‌الدین محمود واصفی در بیان مجلسی که در چهارباغ گازرگاه برپا بود، از هنرمندی به نام حافظ غیاث‌الدین یاد می‌کند که از مردم آذربایجان بود و به عزم تقرب به امیر علی شیر به خراسان آمد و خواست که به وساطت ندیمان امیر علی شیر به محضر او رود؛ و چون آنها او را دیدند، خودداری کردند. روزی که امیر به باغ ساخته خود در گازرگاه رفت، حافظ غیاث‌الدین از فرصت استفاده کرد و خود را به میر رسانید و هنرهای خود را برای او این گونه برشمرد:

«اول آنکه حافظم و قرآن را به هفت قرائت یاد دارم و عشری که از قرآن می‌خوانم، مستمعین را رقت و حالت تمام و شوق و ذوق لاکلام دست می‌دهد. و به یک دو بیت آن‌چنان ترنم می‌نایم که اهل وجد و حال گریبان می‌درند و به یال شوق بر فراز کنگره لاهوت می‌پرند.»  
 [...] میر به حافظ غیاث‌الدین فرمود که «لافها که زدید و دعویها که اظهار نمودید محل اظهار آن است [...]» اول عشری قرآن خواند که هوش از سر اهل مجلس ستاند؛ بعد از آن این غزل را بنیاد کرد که  
 خوی توبی نازک و ما را ادبی نیست  
 و رزان که بگیرد دلت از ما عجبی نیست  
 و تحریرکاری و نغمه‌پردازی به نوعی نمود که آواز «الاحسن» از دوست و دشمن به گوش رسیدن گرفت.<sup>۲۸</sup>

### معماری

بنا بر آنچه معاصران و تذکره‌نویسان در شرح احوال امیر علی شیر نوشته‌اند، در حیات خود تأسیسات خیر و بناهای مفید بسیار داشته است. تعداد بناهای خیر او را مورخان ۳۷۰ باب ذکر کرده‌اند؛ از جمله: چهارده پل، نه حمام، ۵۲ کاروان‌سرا، نوزده آب‌انبار، یک دارالحفاظ، یک بیمارستان، پنج عمارت (احتمالاً سفره‌خانه)، هفت خانقاه، سه لنگر، چهار مدرسه، بیست مسجد.<sup>۲۹</sup>  
 از بناهایی که در خراسان با حمایت امیر علی شیر ساخته شده این هفت اثر بیشتر به دست نیامده است: ایوان جنوبی صحن عتیق مقبره حضرت رضا (ع) در مشهد، مزار شیخ فریدالدین عطار در نیشابور، آب‌نهر خیابان در مشهد، رباط سنگ‌بست، رباط دیزآباد، سد آجری قریه طرُق، بقعه امیر قاسم الانوار در روستای لنگر در خرگرد خواف.<sup>۳۰</sup>

رساله‌ای به نام دیباچه موقوفات میر علی شیر به ترکی جغتایی و به خط نستعلیق تحریری، آراسته به جدول و تذهیب، در ۲۵ صفحه بزرگ در کتابخانه ملی هست که در آن، شرح موقوفات مدرسه اخلاصیه، که میر علی شیر بانی آن بود، به همراه اطلاعات سودمند دیگر آمده است. امیر در بخشی از این وقف‌نامه چنین گفته است:

برای آنکه مزرعه معاشم به یک بار نمشکد، بر حسب امر سلطانی به چیزی از زراعت اشتغال می‌ورزیدم. و چون در این شغل جانب شریعت و انصاف را کاملاً

مراعات می‌کردم و از عنایت خداوندی نفع بسیار می‌بردم، و از عواید آن نعمت به خود یا اندک‌مایه پوشاک و خوراک می‌ساختم، و بقیه آن صرف امور خیریه و بنای بقاع می‌نمودم. و ثواب تمام آن را وقف روزگار آن حضرت می‌کردم.<sup>۳۱</sup>

در بخشهایی از این وقف‌نامه، از باغهای متعددی یاد شده که به فرمان امیر علی شیر در اطراف شهر هرات ساخته بودند، که چند مورد از آنها را ذکر می‌کنیم:

۱. در بلوک النجان در موضع فراشان، یک قطعه باغ به مساحت ۲۸ جریب و ۲۳ جریب زمین متصل به هم  
 ۲. یک قطعه باغ به مساحت هجده جریب، که دو جریب و نیم آن تاکستان است

۳. در بلوک انجیل، یک قطعه زمین به مساحت چهار جریب

۴. در باد مرغان، یک قطعه زمین به مساحت چهار جریب

۵. در محله خواجه شهاب، باغها و چند جریب زمین و دو قطعه تاکستان متصل به هم، ۳۳ جریب<sup>۳۲</sup>

اما یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدامات عمرانی امیر علی شیر تعمیر مسجد جامع هرات است که به سبب حمله چنگیز و تیمور رو به ویرانی نهاده بود و در این زمان به همت امیر مرمت شد. خواندمیر در شرح چگونگی ساختن این مسجد می‌نویسد:

... بعد از آن به استصواب معماران حاذق و مهندسان مدقق به راست ساختن آن بنا، بنا بر وجهی که از آن محکم‌تر نتواند بودن اشارت فرمود [...] و آن مؤسس قواعد مبرات به واسطه کثرت اهتمام در اتمام این عمارت هر روزه به نفس نفیس به آن مقام شریف تشریف می‌آورد و در اکثر ایام دامن در میان زده، مانند سایر مزدوران کار می‌کرد. در هر چند روز معماران و استادان، بل جمیع پیشه‌وران آنجایی را جامه‌های گران‌مایه می‌پوشانید و به نوازش موفور و ایعامات غیر محصور خوش‌دل و مسرور می‌گردانید.<sup>۳۳</sup>

میر خواند می‌افزاید که وقتی در جمادی‌الاول سال ۹۰۶ قی ساختمان مسجد به اتمام رسید، امیر علی شیر مشایخ و سادات و قضات و علما و فضلا و امرا و وزرا و اشراف و اعیان دارالسلطنه هرات را در مجلسی که ترتیب داده بود

فراخواند و پس از پذیرایی، طی مراسمی از استادان معمار و بنا و حتی کارگران و مزدوران مسجد تجلیل کرد و به ایشان خلعت فاخر پوشاند.<sup>۳۴</sup>

مدرسه اخلاصیه، خانقاه اخلاصیه، شفائیه، مدرسه نظامیه، و مدرسه خسرویه از دیگر بناهای ساخته به فرمان نوابی است.

### هنرهای صناعی

در زمینه هنرهای صناعی، باید از منبر سنگی بسیار زیبایی سخن گفت که در این زمان به فرمان امیر علی شیر برای نصب در مسجد جامع هرات ساختند. اگرچه هیچ اثری از این منبر برجای نمانده است، از شرحی که خواندم درباره آن نگاشته می‌توان تا حدودی به ظرافت و زیبایی‌اش پی برد:

و چون منبر قدیم که از چوب جوز تراشیده بودند در هم شکسته بود همت عالی‌نهمت امیر صافی طوبیت مقتضی آن شد که منبری از سنگ مرمر ترتیب یابد و ملازمان آستان رفیع‌الشأن در جستجوی و تک‌وپوی افتاده در ولایت خواف، سنگ مرمر یافتند و آنها را به بهای تمام از صاحبش خریده به اندک‌زمانی به این بقعه مبارک آوردند. و استاد شمس‌الدین سنگ‌تراش به ساختن اشتغال نموده، به بین اهتمام امیر عالی‌گهر منبری ساخته و پرداخته شد که تا آفتاب عالم‌آرا هر صباح خطیب‌آسا بر منبر نه پایه سپهر خضرا برمی‌آید، شبیه و نظیر آن ندیده و تا سنت سنیه غماز جمعه و جماعت در میان امت حضرت رسالت (ص) پدید آمده، گوش هیچ رونده مثال و مانند آن نشنیده.<sup>۳۵</sup>

### نقاشی

امیر علی شیر از بزرگ‌ترین حامیان نقاشی نیز بود و توجه او باعث رونق مجدد کارگاههای نقاشی و کتاب‌آرایی شد و آخرین گام را به سوی ترقی برداشت و در سایه کوشش برخی هنرمندان به منتها درجه شکوفایی و عظمت خود رسید.

سیدروح‌الله میرک از نخستین نقاشانی بود که از لطف و توجه امیر علی شیر برخوردار شد. او که ریاست کتابخانه و کارگاه سلطنتی سلطان حسین را به عهده داشت، افزون بر مهارت کم‌نظیر در نقاشی و تذهیب، در کتیبه‌نویسی هم توانا بود؛ به طوری که کتیبه بیشتر عمارت‌های هرات

را که در این دوره ساخته شد او می‌نگاشت و با پشتیبانی امیر علی شیر، به قول خواندمیر «لوای انا و لاغیر به اوج سپهر برین رسانید».<sup>۳۶</sup>

درباره هنر کتیبه‌نویسی میرک و ارتباطش در این زمینه با امیر علی شیر در مکارم الاخلاق آمده است که در سال ۹۰۴ق که امیر علی شیر تجدید تزین مسجد جامع هرات فرمود، کتابت کتیبه مسجد را به میرک سپرد. اما میرک نقاش با بی‌پروایی تمام آن کار را به تعویق می‌انداخت و کاشی‌تراشان را معطل می‌کرد. هنگامی که سستی او از حد گذشت و نصیحت و خشونت هم فایده‌ای نکرد، امیر علی شیر چاره‌ای اندیشید و به ظرافت تمام او را واداشت تا کار را به‌موقع و در مدت پانزده روز به پایان برد.<sup>۳۷</sup> چنین روایاتی بی‌تردید نشان‌دهنده اهمیت بسیاری است که امیر علی شیر برای انجام شدن صحیح و به‌موقع فعالیت‌های هنری قایل بود و حتی هنرمندی سرشناس چون میرک نقاش را هم این چنین به کار و می‌داشت و بازخواست می‌کرد.

یکی دیگر از نقاشانی که توانایی‌اش در حمایت امیر علی شیر شکوفا شد، کمال‌الدین بهزاد است. او که از کودکی یتیم و تحت سرپرستی و آموزش روح‌الله میرک بود، در آغاز جوانی به دستگاه امیر علی شیر راه یافت. امیر به بهزاد علاقه و محبتی خاص داشت و روایتی که زین‌الدین محمود واصفی در این باره نقل کرده به‌خوبی گویای این علاقه است:

استاد بهزاد صحیفه‌ای مصور به مجلس امیر علی شیر آورد، مشتمل بر درختان گوناگون و بر شاخسارش مرغان خوش‌صورت و بر هر طرف جویبارهای جاری و گلبنهای شکفته زنگاری و صورت مرغوب میر [علی شیر] چنان‌که تکیه بر عصا زده و طبقهای پرزر در پیش نهاده. میر علی شیر از دیدن آن تصویر فوق‌العاده در اعجاب فرو رفت و از حاضران خواست تا نظر خود را درباره آن بگویند. یکی از آنها گفت: «خواستم دست دراز کرده و گلی برکنم و بر دستار خود گذارم؛ اما اندیشه کردم که مبادا مرغان از سر درختان پرواز نمایند. هریک چیزی گفتند و امیر علی شیر گفت: «زردیک بود طبقهای زر را به حاضران مجلس نثار کنم.» در هر حال، میر علی شیر به قدری تحت تأثیر لطف و زیبایی تصویر قرار گرفت که استاد بهزاد را اسب با زین و لجام و جامه

قصیده است:

ای فلک بیداد و پی‌رحمی بدین سان کرده‌ای  
وی اجل ملک جهان را سخت ویران کرده‌ای  
بر جهان‌بانان چه می‌گویی مرا نبود حسد  
از حسد باری جهان را بی جهان‌بان کرده‌ای<sup>۲۲</sup>

خواندمیر نیز در مکارم الاخلاق آورده است:

ز مژگان دم‌به‌دم خوناب می‌ریخت  
مگو خوناب خون ناب می‌ریخت  
زیس بالا گرفت آن روز فریاد  
صدا در گنبد فیروزه افتاد

در عیدگاه هرات بر آن ذات فیاض البرکات نماز گزارند؛  
آن گاه به گنبدی در جنب مسجد جامع خویش، که  
آن جامع اصناف خیرات جهت همین مصلحت ساخته  
بودند، آورده دفن کردند.<sup>۲۳</sup> □

## کتاب نامه

براون، ادوارد. تاریخ ادبی ایران، ج ۳: از سعدی تا جامی، ترجمه و  
حواشی علی‌اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۷.

بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، تهران، علمی، ۱۳۶۳، ج ۴.  
جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد، چهارستان و رسائل جامی (مشمول  
بر رساله‌های: موسیقی، عروض، قافیه، چهل حدیث، ناثیه، لوامع، شرح  
تائیه، لویح و سر رشته)، مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح‌زاد و دیگران،  
تهران، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، تاریخ حبیب‌السیر، تصحیح  
زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، خیام، ۱۳۶۳، ج ۳ و ۴.

\_\_\_\_\_، مآثر الملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون  
همایونی، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی  
رسا، ۱۳۷۲.

\_\_\_\_\_، مکارم الاخلاق: شرح احوال و زندگانی امیر علی‌شیر  
نوابی، مقدمه و تصحیح و تحقیق محمداکبر عشیق، تهران، آینه میراث  
مکتوب، ۱۳۷۸.

دانشگاه کمبریج. تاریخ ایران: دوره تیموریان، ترجمه یعقوب آژند، تهران،  
جامی، ۱۳۸۲.

دولت‌شاه سمرقندی. تذکره الشعراء، به همت محمد رمضان، تهران، خاور،  
۱۳۶۶.

سام‌میرزا صفوی. تذکره تحفه ساسی، تصحیح و مقدمه از رکن‌الدین  
همایونفرخ، تهران، شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران، ۱۳۷۱.

سودآور، ابوالعلاء. هنر دربارهای ایران، ترجمه ناهید محمدشیرانی، تهران،  
کارنگ، ۱۳۸۰.

ظهرالدین محمد بابر پادشاه، بابرنامه موسوم به تروک بایری و فتوحات  
بایری، نسخه چاپ سنگی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۰۷۷۲۴.

علیشیر نوابی، نظام‌الدین. دیوان امیر نظام‌الدین علی‌شیر نوابی متخلص

شاه مظفر، قاسم‌علی چهره‌گشا، حاجی محمد  
نقاش، ملا یاری مذهب، و ملا درویش محمد نقاشان  
دیگری بودند که در حمایت امیر علی‌شیر نوابی تربیت  
شدند.

## خوشنویسی

سلطان حسین باقرا و امیر علی‌شیر مال بسیاری در  
ساختن کتابهای نفیس صرف کردند که تا آن روزگار  
نظیرشان پرداخته نشده بود. خوشنویس مشهور،  
سلطان‌علی مشهدی، از جمله هنرمندانی بود که در جوانی  
به دعوت سلطان ابوسعید میرزا به هرات رفت و بعدها  
مورد توجه و حمایت سلطان حسین باقرا و امیر علی‌شیر  
قرار گرفت.

به گفته قاضی احمد، این هنرمند کتاب مجالس  
النفائس امیر علی‌شیر را بر سنگ مرمر حوض آب سرای  
امیر با خطی بسیار زیبا کتابت کرده بود.<sup>۲۹</sup> ظهیرالدین بابر  
در خاطرات خود می‌گوید که مولانا سلطان‌علی مشهدی  
«هر روز سی بیت برای میرزا (سلطان حسین) و بیست  
بیت برای علی‌شیر بگ می‌نوشته».<sup>۲۰</sup>  
از دیگر خوشنویسان دستگاه امیر علی‌شیر،  
سلطان‌علی قاینی، خواجه محمد حافظ، مولانا زین‌الدین  
محمود، مولانا سلطان‌علی سبزه‌مشهدی، مولانا سلطان‌محمد  
خندان، مولانا عبدالجمیل، مولانا بجرانی، مولانا عدیمی را  
می‌توان نام برد.

## خاتمه

در احوال شخصی امیر علی‌شیر آورده‌اند که دین‌دار و  
ملتزم به رعایت آداب شریعت بود. در همه عمر همسر  
نگزید. با دوستان به نرمی و مروت رفتار می‌کرد. در بازی  
شطرنج بسیار ماهر بود، به طوری که در یک زمان با دو  
حریف بازی می‌کرد.<sup>۲۱</sup>

امیر در روز پنج‌شنبه دوازدهم جمادی الثانی ۹۰۶ق  
در هرات وفات یافت. شاعران بسیاری که تحت حمایت  
او بودند در رتایش اشعار زیادی سرودند. از آن میان،  
مولانا صاحب مرثیه‌ای گفت در ۴۵ بیت، که هر بیت آن  
یک مصرع تاریخ ولادت و یکی تاریخ وفات امیر را به  
حساب جمل در خود مکتوم داشت. این دو بیت از آن

به فانی، به سعی و اهتمام رکن‌الدین هایونفرخ، تهران، کتابخانه ابن سینا، ۱۳۴۲.

\_\_\_\_\_ . *مجالس النفائس*، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری، ۱۳۶۳.

کاوسی، ولی‌الله. «چگونگی ارتباط تیمور با هنر و هنرمندان»، در: گلدستان هنر، ش ۳ (بهار ۱۳۸۵)، ص ۳۱-۴۰.

گلمیک، لیزا و دونالد ویلبر. *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

مشحون، حسن. *تاریخ موسیقی ایران*، تهران، نشر نو، ۱۳۸۰.

منشی قمی، قاضی میراحمد. *گلدستان هنر*، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، منوچهری، ۱۳۸۳.

میرجعفری، حسین. *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، تهران، سمت، و اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۹.

نوائی، عبدالحمین. *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۵۶.

واصفی، زین‌الدین محمود. *بدایع الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدروف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰، ج ۲.

## پی‌نوشتها

۱. این مقاله با استفاده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته پژوهش هنر تهیه شده است: «ریشه‌یابی علل رشد و شکوفایی هنر در دوره تیموری»، استاد راهنما: علی‌اصغر شیرازی، استاد مشاور: هومان اسمعی، تهران، دانشگاه شاهد، دانشکده هنر، ۱۳۸۶.

۲. برای آگاهی بیشتر، نک: ولی‌الله کاوسی، «چگونگی ارتباط تیمور با هنر و هنرمندان».

۳. برای آگاهی بیشتر از اوضاع این رصدخانه نک: دانشگاه کمبریج، *تاریخ تیموریان*، ص ۲۹۳ و ۲۹۴؛ و ابوالعلاء سودآور، *هنر دربارهای ایران*، ص ۶۷ و ۶۸.

۴. برای آگاهی بیشتر از خوشنویسی ابراهیم سلطان، نک: دولت‌شاه سمرقندی، *تذکره‌الشعرا*، ص ۲۸۷ و ۲۸۸؛ و مهدی بیانی، *احوال و آثار خوشنویسان*، ج ۴، ص ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴.

۵. برای آگاهی از هنرمندی و هنرپروری شاه‌زاده بایسنقر، نک: خواندمیر، *تاریخ حبیب السیر*، ج ۴، ص ۶۲۲؛ نظام‌الدین علیشیر نوائی، *مجالس النفائس*، ص ۳۱۴؛ ادوارد براون، *تاریخ ادبی ایران*، ج ۳، ص ۵۵۵.

۶. عبدالحمین نوائی، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، ص ۳۹۶.

۷. خواندمیر، *مکارم الاخلاق*، ص ۵۱.

۸. همان، ص ۶۰ و ۶۱؛ نظام‌الدین علیشیر نوائی، *مجالس النفائس*، ص ۲۷.

۹. ابوالعلاء سودآور، *هنر دربارهای ایران*، ص ۱۰۲.

۱۰. نظام‌الدین علیشیر نوائی، همان، ص ۱۳۳.

۱۱. طریقه‌ای مشهور در حوزه طرایق صوفیه است منسوب به بهاء‌الدین محمد نقش‌بند (ف ۹۷۱ق). در واقع، این طریقه نزدیک به سه قرن قبل از او بنیاد گذاشته شد و به تدریج به دست سه تن از بزرگان مشایخ اهل تصوف استوار گشت: ابوعلی فضل بن محمد فارمدی، از عرفای قرن پنجم؛ خواجه ابویقوب یوسف همدانی، زاهد و عارف قرن پنجم و ششم؛ خواجه عبدالخالق غجدوانی، از

مشایخ بزرگ صوفیه در قرن ششم. خواجه عبدالخالق مؤسس اصلی و بنیان‌گذار واقعی سلسله «خواجگان» بود که بعدها به نقش‌بندی معروف شد. نک: حسین میرجعفری، *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، ص ۱۷۸.

۱۲. ظهیرالدین محمد بابر، *بابرنامه*، ص ۱۰۸.

۱۳. خواندمیر، همان، ص ۶۴ و ۶۵.

۱۴. همان، ص ۸۰ تا ۹۰.

۱۵. نظام‌الدین علیشیر نوائی، همان، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۱۶. ابوالعلاء سودآور، همان، ص ۱۱۶.

۱۷. خواندمیر، همان، ص ۱۹۳-۱۹۶.

۱۸. سام میرزا صفوی، *تذکره تحفه سامی*، ص ۱۵۳. برای آگاهی بیشتر از حمایت‌های امیر از ادیبان، نک: زین‌الدین محمود واصفی، *بدایع الوقایع*، ج ۱، ص ۳۸۷.

۱۹. رساله محبوب القلوب به پیروی از *انیس القلوب* امیر خسرو دهلوی در سال ۹۰۶ نگاشته شده و گویا آخرین اثر امیر است.

۲۰. سام میرزا صفوی، همان، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

۲۱. حسن مشحون، *تاریخ موسیقی ایران*، ص ۲۲۹.

۲۲. ظهیرالدین محمد بابر، همان، ص ۱۰۸.

۲۳. خواندمیر، *خلاصه الاخبار*، ص ۲۴۳.

۲۴. نک: نظام‌الدین علیشیر نوائی، همان، ص ۸۹ و ۹۰.

۲۵. جامی، *بهارستان و رسائل جامی*، ص ۱۷۴.

۲۶. همان‌جا.

۲۷. زین‌الدین محمود واصفی، *بدایع الوقایع*، ج ۱، ص ۲۴.

۲۸. همان، ص ۴۷۸ تا ۴۸۰.

۲۹. لیزا گلمیک و دونالد ویلبر، *معماری تیموری در ایران و توران*، ص ۱۰۲.

۳۰. علی‌اصغر حکمت در مقدمه *مجالس النفائس*، ص ی.

۳۱. برای آگاهی از ترجمه قسمتی از این وقف‌نامه، نک: همان، ص ک تا که.

۳۲. همان، ص کب.

۳۳. خواندمیر، *مکارم الاخلاق*، ص ۹۸ و ۹۹.

۳۴. همان، ص ۱۰۱.

۳۵. خواندمیر، *مآثر الملوک*، ص: ۱۸۹ هو، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۰۰.

۳۶. هو، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۴۷.

۳۷. همان، ص ۱۴۷-۱۴۹.

۳۸. واصفی، *بدایع الوقایع*، ج ۲، ص ۱۵۰، نقل شده در حسین میرجعفری، *تاریخ تیموریان و ترکمانان*، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۳۹. قاضی میراحمد منشی قمی، *گلدستان هنر*، ص ۶۰ و ۶۱.

۴۰. ادوارد براون، *تاریخ ادبی ایران*، ج ۳، ص ۶۷۳.

۴۱. همان، ص ۶۶۹.

۴۲. نظام‌الدین علیشیر نوائی، *مجالس النفائس*، ص ۱۳۶.

۴۳. خواندمیر، *مکارم الاخلاق*، ص ۱۵۰.